

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیای ایران)
دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۵۴، پاییز ۱۳۹۶

تأثیر عوامل تاریخی بر نظام مدیریت نوین روستایی در ناحیه طالقان

فرهاد عزیزپور^۱ و معصومه رفیعی^۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۴/۸، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۵/۱۵

چکیده

مساله مدیریت در واقع یکی از گفتمان‌های مهم در حیطه سیاست‌گذاری و برون‌رفت از مشکلات وضع موجود روستاها است. از این حیث، نگاهی تاریخی به ریشه‌ها و بنیان‌های عوامل تأثیرگذار بر مدیریت بسیار حائز اهمیت است. این مقاله نیز، در پی واکاوی عوامل تاریخی است که بر مدیریت روستایی در ایران تأثیرگذار هستند.

محدوده مورد مطالعه شهرستان طالقان، واقع در استان البرز است. در این پژوهش، پارادایم شناخت علمی تفسیری، روش تحقیق کیفی (مبتنی بر منطق استفهام) و رویکرد آن تاویل‌گرایی است. در این جهت‌گیری، به نقش پوشش‌ها و رویدادهایی پرداخته می‌شود که در فرآیند مساله موردنظر منجر به نمود پدیدارهای عینی می‌شود. همچنین، ایستارها و بایسته‌هایی تحلیل می‌گردند که مکانیسم اصلی و زیربنایی پدیده موردبررسی را متأثر می‌سازند. با توجه به مساله پژوهش و هدف آن (تحلیل تاریخی)، جامعه هدف (ناحیه طالقان) تحلیل متون مورد استفاده قرار گرفت. در بین منابع تاریخی مرتبط با جامعه هدف، ۱۰ منبع مورد بررسی قرار گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل اطلاعات در چارچوب رویکرد تاویل‌گرایی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. پژوهش صورت گرفته حاکی از آن است که، نظام مدیریت نوین روستایی، متأثر از دو دسته عوامل شرایطی (توپوگرافی ناهموار و موقعیت کوهستانی، انزوای سیاسی - فضایی و تسلط اقتصاد معیشتی مبتنی بر شبانی) و تعاملی (تسلط انزواگرایی، بنیادگرایی مذهبی، محافظه‌کاری روستاییان، تمسک بر باورهای ماورایی و استقلال‌طلبی و برتری جویی) و پیامد حاصل از آنها در قالب خودمداری و کنش گسسته دچار ضعف شده است. براین اساس، در ایجاد و کارآمدسازی مدیریت نوین روستایی، توجه به خصایص فرهنگی برآمده از محیط جوامع روستایی که در ادراک محیطی روستاییان و کنش آنها تأثیرگذار هستند؛ بایستی مورد توجه و تأکید قرار گیرند.

کلیدواژگان: محیط جغرافیایی، عوامل تاریخی، نظام مدیریت نوین روستایی، ناحیه طالقان

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مساله

روستا از یک طرف، کانون تبلور و قوام تمامیت عناصر فرهنگی و از طرف دیگر، پشتیبان اقتصاد ملی قلمرو حاکمیت است. در این راستا، برای پیشبرد اهداف بلندمدت، دستیابی به توسعه پایدار و ارتباط مطلوب آن با نظام جهانی، مدیریت روستایی بسیار حائز اهمیت است. چرا که، تحقق این اهداف در روستاها، با چالش‌های ساختاری و کارکردی - با ماهیت طبیعی و انسانی - روبرو است که با نبود نظامی کارآمد از مدیریت می‌تواند آینده نامناسبی را برای آن ترسیم نماید.

مروری بر روند تاریخی تحول روستاها، نشان می‌دهد هر زمان که نظام مدیریتی کارآمد، متناسب با صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی حاکم شده بود، روستاها مسیرهای تحولی مثبتی را طی کرده‌اند. هر چند که این تحول ممکن بود همه‌جانبه و در همه ابعاد نظام سکونتگاهی نبوده باشد. «در گذشته، نظام مدیریت سنتی فضا در روستاهای کشور، در عین آنکه از لحاظ اجتماعی ناعادلانه بود، اما از نظر اقتصادی و در بهره‌گیری از منابع محدود آب و خاک و همچنین سازماندهی مشارکت‌جویانه روستاییان در امور عمومی کارآیی‌های قابل‌توجهی داشت. به‌عنوان مثال، بهره‌برداری جمعی از منابع آب و خاک و سازمان‌بندی گروهی تولید زراعی در کشور از نمونه‌های قابل بررسی است. این شیوه فعالیت و تولید اقتصادی اصولاً بر سازماندهی دقیق بهره‌برداری از منابع (بویژه منابع محدود آب) و تشکیلات متکی بر مقررات سنجیده استوار بوده است» (سعیدی، ۱۳۹۰: ۲۵). در دوره معاصر، با فروپاشی نظام مدیریت (سنتی) متأثر از عوامل ساختاری چون اصلاحات ارضی، نوعی فقدان مدیریت کارآمد (فضایی) در سطح محلی پدیدار شد. نقش‌پذیری دولت با اعمال قدرت از بالا به پایین در روستاها سبب شد تا خوداتکایی و استقلال روستاها در پیشبرد اهداف آبادانی‌شان تضعیف شده، منتظر اقدامات بیرونی باشند. تاسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاها و گسترش سریع آنها از ابتدای دهه ۱۳۸۰ آخرین تحول انجام یافته در زمینه سامان‌دهی مدیریت روستایی در ایران در راستای بازتولید ساختار گذشته مدیریت روستایی، در قالبی جدید است تا بتواند با نقش‌پذیری جدید در ساختاری مستقل از دولت اعتبار از دست‌رفته روستاها را احیا نماید.

این تحولات جدید، اگرچه زمینه‌های تحولی مثبتی را بدنبال داشت. ولی، روستا و روستایی را با کشاکش‌های جدیدی روبه‌رو ساخت که نخستین آن، «بروز ناپایداری منابع محدود محیطی و افول تدریجی یکپارچگی اجتماع روستایی و انسجام اجتماعی - اقتصادی آن بود» (سعیدی، ۱۳۹۰: ۲۶).

این شرایط - ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی جدید - اگرچه معلول عوامل گوناگون است. ولی، در این میان نقش عوامل تاریخی اهمیت زیادی دارد. شرایط حال حاضر جوامع روستایی، جدا از گذشته خود نیست. ساختارها اجتماعی - اقتصادی و حتی ساختارهای محیطی در گذشته روابط و مناسباتی را هم از بُعد اقتصادی و هم اجتماعی و حتی بُعد فضایی شکل داده است که امروزه در تحول و توسعه روستاها اثرگذار هستند. ولی، قوانین و آیین‌نامه‌های دستوری از بالا به پایین در تشکیل نظام مدیریتی جدید به‌نحوی توسط دولت طراحی شده‌است که زمینه گسست جامعه روستایی را از گذشته خود را سبب شده‌است. مدیریت جدید با بی‌اعتنایی به مشارکت مردمی و اجماع‌نظر با ریش‌سفیدان و معتمدین و ضعف توجه به الگوهای رفتاری، ادارک محیطی و ساختار اقتصادی روستاییان که شدیداً تحت‌تأثیر شرایط محیطی در روندی تاریخی شکل گرفته‌است، مشروعیت خود را دچار تزلزل نموده‌است. به‌طوری‌که،

امروزه، این شرایط آنها را با چالش‌های اساسی در پیشبرد ماموریت خود روبرو ساخته است. ضعف تامین منابع مالی، سنگ‌اندازی در اجرای پروژه‌ها، ضعف در نگهداری از اقدامات اجرایی انجام شده، دوقطبی شدن فضای اجتماعی روستا و ... از جمله این چالش‌ها است.

در پژوهش پیش‌رو، با توجه به آنچه ذکر شد به مساله نظام مدیریت نوین روستایی در شهرستان طالقان بنا به گذارهای تاریخی و واکاوی مصادیق برگرفته از متون تاریخی در ارتباط با پیشینه و بستری‌هایی که ساختار سکونت‌گزینی در منطقه را فراهم آورده‌اند به شواهدی دال بر آنکه این مهم به‌عنوان یکی از علل موثر در مدیریت نوین روستایی و چه بسا باز تولید همان صورت‌بندی کهن است، اشاره شده است. ضمن آنکه، اساساً شیوه انتخاب مدیرانی که امروزه روی کار آمده‌اند. اگرچه، به‌طور مطلق همچون گذشته براساس ساختار کاملاً سنتی نبوده است. اما، ساختار متمرکز و قیم‌مابانه در آن کاملاً مشهود است. به‌طوری‌که، در مجموع مدیریت حال حاضر مشروعیت خود را از سلسله مراتب بالادستی خود اخذ می‌نماید که این مساله پیامدهایی را در برداشته است. از جمله؛ بی‌انگیزگی و بی‌تفاوتی روستاییان به امر توسعه محلی و نداشتن قوه ابتکار عمل به‌طوری‌که همواره نگاهشان به ید قدرت است نه پشتوانه‌های فرهنگی و تاریخی خود. با توجه به مطالب پیش گفته تحقیق پیش‌رو به‌دنبال شناسایی و ادراک فرآیندهایی که مدیریت نوین روستاها را متأثر ساخته و در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی آنها دخیل بوده و آنها را با ناکارآمدی روبرو کرده است. بر این اساس، پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به سوال زیر است:

«شرایط تاریخی که سبب شد تا کنش اجتماعی نظام مدیریت نوین روستایی در اداره روستا دچار خدشه شده و آنرا با موانع اساسی روبرو سازد؛ کدامند؟ تفسیر معنایی آن چیست؟»

روش پژوهش

در این پژوهش، پارادایم شناخت علمی تفسیری^۱، روش تحقیق کیفی (مبتنی بر منطق استفهام) و رویکرد آن تاویل‌گرایی است. در این جهت‌گیری، به نقش پویاها و رویدادهایی پرداخته می‌شود که در فرآیند مساله موردنظر منجر به نمود پدیدارهای عینی می‌شود. همچنین، ایستارها و بایسته‌هایی تحلیل می‌گردند که مکانیسم اصلی و زیربنایی پدیده مورد بررسی را متأثر می‌سازند.

در این پژوهش، با توجه به مساله پژوهش و هدف آن (تحلیل تاریخی)، جامعه هدف (ناحیه طالقان) تحلیل متون مورد استفاده قرار گرفت. در بین منابع تاریخی مرتبط با جامعه هدف، تقریباً ۱۰ منبع با عناوین زیر انتخاب شدند:

- تاریخ و جغرافیای طالقان، میرابوالقاسمی؛
- التدوین فی احوال جبال شروین، اعتمادالسلطنه؛
- ایرانشهر، مارکوارت؛ تاریخ ایران باستان، پیرنیا؛

۱. در این پارادایم، به سوژه با دیدی چندساحتی و موجودیتی که باگذار از دلالت یک وجهی، فرایندی را درنظر دارد که درصدد برانگیختن افق‌های تاریخی و ناخودآگاه متن است. در این نگاه تلاش می‌شود تا آنچه تحت لوای واقعیت انتزاعی محاط گشته، کنار رود و بازخوردها، سویه‌ها و فهم عمیق و فرامتنی از گفتمان حاضر حاصل آید.

- تاریخ ماد، دیاکونف؛
 - قلمرو شاهنشاهی هخامنشی، حسینعلی ستوده؛
 - قلاع اسماعیلیه، منوچهر ستوده؛
 - نظام ایالات دوره صفویه، رهبرن؛
 - جغرافیای قدیم و جدید طالقان، صنیع‌الدوله؛
 - انقلاب مشروطیت ایران، پاولویچ؛
 - آثار و البلاد و اخبار العماد، قزوینی.
- برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. برای تحلیل اطلاعات در چارچوب رویکرد تاویل‌گرایی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. در این روش، فرایند زیر مورد استفاده قرار گرفت:
- مطالعه متون مربوطه و استخراج شواهد؛
 - کدگذاری باز؛
 - کدگذاری محوری؛
 - کدگذاری گزینشی (استخراج مقولات هسته‌ای از دل مقولات محوری)؛
 - تفسیر مقولات هسته‌ای و کانونی؛
 - طراحی مدل نظری چگونگی برهم کنش عوامل تاریخی موثر بر مدیریت روستایی.

قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه

شهرستان طالقان، به‌عنوان یکی از شهرستانهای استان البرز در ۵ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۲۳ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۲۰ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۱۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. این شهرستان با ۱۱۸۶ کیلومتر مربع وسعت در شمال استان استقرار یافته است. از جهت شمال با استان مازندران، از جنوب با شهرستان ساوجبلاغ، از شرق با شهرستان کرج و از غرب با استان قزوین هم‌مرز است. شهرستان طالقان با قرار گرفتن در رشته کوههای البرز میانی، دارای آب‌وهوای کوهستانی و بیلابقی است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ این شهرستان دارای چند روستا و خانوار جمعیت است. این فضا، با توجه به ویژگی محیطی اش (ارتفاع دامنه بین ۱۴۰۰-۲۶۰۰ متر از سطح دریا، زمستان‌های سرد و تابستان‌های مطبوع و خنکی (میانگین درجه حرارت سالیانه حدود ۹/۵+ متوسط حداکثر ۲۷/۵+ و متوسط حداقل ۱۱/۳- درجه سانتی‌گراد) و میانگین بارندگی ۵۰۰ میلی‌متر) از جمعیت موسمی (فصلی) برخوردار است. معیشت غالب این ناحیه به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و کوهستانی بودن آن بیشتر نشأت گرفته از اقتصاد دامی است. البته، برخی کشاورزان به‌طور محدود به کشت گندم و عدس و باغداری نیز اشتغال دارند. همچنین، پرورش زنبورعسل، پرورش ماهی، فروش سبزیجات کوهی و لبنیات از فعالیتهایی هستند که در اقتصاد ناحیه ایفای نقش می‌نمایند.

انسانی آن چیرگی داشت. در نتیجه، بنیان‌های اجتماعی - اقتصادی فضا تحت سیطره این عامل تعیین یافته‌است. در این ارتباط، دهخدا در فرهنگ خود «طالقان را از جنبه لغت‌شناسی؛ متشکل از یک اسم یعنی «تل» یا «تله» به معنی پرتگاه، بلندی و محل گرفتارشدن به‌اضمام پسوند «قان» یا «کان» می‌داند. بنابراین، طالقان به‌معنای مکانی بلند، سرزمین بلندی‌ها یا به‌عبارت دیگر کوهستان است (دهخدا، ۱۳۷۷).

زکریای قزوینی بر این مساله تاکید دارد که: «طالقان منطقه‌ایست بین قزوین و گیلان و دهستانی کوهستانی در دیلمان و قرایی است مشتمل بر دهستان‌هایی واقع در جبال» (زکریای قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۶۲).
اعتمادالسلطنه در کتاب جغرافیای طالقان این ناحیه را بدین شکل تعریف می‌نماید که: «دهستان‌های طالقان همچون دژی محکم در برابر حملات دشمنان است، حدود طالقان و مرزهای آن نیز با کوهستان‌ها شناخته شده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳: ۳۲۵).

تاثیر این عامل در دسترسی یکجانشینان طالقان به نیازهای اولیه ساکنان و الگوهای معیشت آنان به‌شکلی بطئی در طول تاریخ و در فضای جغرافیایی نمود پیدا کرد. این ویژگی، در برپایی و اساساً ماندگاری برهم‌کنش‌های انسانی ناحیه مورد بررسی، نقش زیربنایی و اصلی را بازی کرده است. در نتیجه، این بنیادهای زیستی توجیه‌کننده هویت اجتماعی و سبک‌های معیشتی این زادبوم شده است.

میرابوالقاسمی بیان می‌دارد: «آثار و خرابه‌های روستاهای کهن در عمق دره‌ها و ارتفاعات و درکنار قلاع پراکنده‌ای که ظاهراً تعدادشان در طالقان زیاد است، حکایت از ارزش و اهمیت دامداری و شبنی در این بخش از دامنه‌های البرز دارد» (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۵۴). و یا او در جای دیگر می‌گوید: «آب‌وهوای طالقان موقعیت مناسبی را جهت پرورش دام آماده می‌نمود. اما، کشاورزی به شکلی محدود به سبک قدیم رایج بود که نبودن زمین‌های زراعتی مناسب به اندازه کافی افراد را مجبور می‌کرد که جهت تامین نیازهای‌شان به استان‌های دیگر همچون تهران، گیلان و یا مازندران رجعت کنند» (همان، ۸۱).

ب. اقتصاد متکی بر بهره مالکانه و تسلط اقتصاد معیشتی

زیربنای اقتصادی و وضعیت امرار معاش در طالقان حاکی از آنست که استقرار در انزوای کوهستان‌هایی که امکان پدیدارشدن تنوع معیشتی به‌سختی امکان‌پذیر است و بی‌اغراق می‌توان گفت، ممکن نیست. چرا که، توانش محیط طبیعی بیش از برانگیختن ساکنان به زندگی شبنی و طایفه‌ای نیست. در واقع، سیادت و جبر محیط جغرافیایی چنان استیلائی بر کنش‌های مردمان دارد که سازگاری آنان با این جبر به‌مراتب منجر به پایایی باورداشت‌های بسته شده است. به‌گونه‌ای که، در بستر اقتصادی خرده‌پا، جاماندند و نتوانستند چندان تعاملی با جریان‌های برون‌محلی برقرار سازند. از این رهگذر، برای برون رفت از ساختارهای سنتی شیوه تولید و نظام معیشتی حاکم بر زندگی نتوانستند؛ تمهیدی جویند.

این چنین است که به‌عنوان نمونه وضعیت زمینداری در طالقان به‌صورت بهره مالکانه و اراضی به‌شکلی وقفی بوده‌اند: پاولویچ بیان می‌دارد «از دیرباز الگوی استقرار سکونتگاه‌های روستایی در کوهستان به‌گونه‌ای بود که کشاورزی شاخه‌فرعی در کنار اقتصاد شبنی باشد، زمینداری در همه‌جای طالقان سرگذشت ویژه‌ای دارد که با

مبارزات دهقانی همراه بوده است، پرداخت بهره مالکانه نیز در دو نوبت به صورت نقد و جنس انجام می‌گرفت» (پاولویچ و همکاران، ۱۳۲۹: ۱۴).

بنابراین در این فراز به نظر می‌رسد مردم طالقان به دلیل موقعیت جغرافیایی بسیار سخت و باتبع آن شکل‌گیری اقتصاد صرفاً معیشتی، ناگزیر به گزینش نوعی کنش اجتماعی و مدیریتی برپایه اقتدار و استبداد مالکانه بودند تا از این طریق بتوانند زیر سایه نظامی زورمدار مانع از هم‌گسیختگی وضعیت سخت تعاملات اجتماعی-اقتصادی شوند. برن بیان می‌دارد: «کدخدا بیشترین حق نسق را در اختیار داشت و جمع‌آوری سهم مالکانه نیز برعهده وی بود. اکثریت اراضی در طالقان به دلایل مصنوعیت از تجاوز، معاف شدن از مالیات و جلوگیری از تکه‌تکه شدن، وقفی بوده‌اند» (برن، ۱۳۸۳: ۱۷۳). همچنین، شواهدی دال بر عدم شکل‌گیری بسترهای انباشت و مازاد سرمایه در این منطقه وجود دارد که منجر به معیشتی شدن نظام اقتصادی شد.

برن عقیده دارد؛ عدم وجود اراضی بزرگ فئودالی، تعداد محدود مزارع آباد زراعی، ضعف دسترسی به بازار فروش به دلیل موقعیت جغرافیایی سخت و نداشتن تنوع اقتصادی عواملی هستند که سبب حاکمیت اقتصاد معیشتی شد (برن، ۱۳۸۳: ۴۵).

ج. محافظه‌کاری روستاییان

روبناهای فرهنگی و سیاسی به‌عنوان پدیدارهایی بودند که در ادامه روند سکونت‌گزینی بر بنیاد موقعیت جغرافیایی و اقتصاد و شیوه معیشت شکل گرفتند. نهادینه‌شدن فرهنگ عزلت‌گزینی به انحاء مختلف مانع از نقش پذیرفتن ساکنانی شد که در روستاهایی جداافتاده و جای‌گرفته در نبض کوهستان می‌زیستند. تمسک به باورهای مافوق طبیعی بیش از پیش بر این نوع زیست‌اجتماعی دامن زده و همین امر مانع از تطور و تحول این مردمان از تعلق جایگاه ساختارهای درهم تنیده و مکنون زیست‌گاه‌هایشان شد. انتخاب چنین شیوه‌ای برای زنده‌ماندن و نه زندگی کردن، دست‌مایه سازگاری با محیط خشن طبیعی است. البته، ماحصل آن نیز همانگونه که مشاهده می‌گردد نوع خاصی از پدیده روستانشینی در حصار کوهستان است. بنابراین، می‌توان ادعان داشت روحیه محافظه‌کاری، احتیاط، رازداری بیش از حد معمول و زبان در دهان نگاهداشتن این مردم پیوند نزدیک و تنگاتنگی با شیوه معیشت آنان داشته است.

در این راستا، پیشینه فرهنگی مردم طالقان وابسته به پرستش تابوهایی بود که بیشترین نمود محافظه‌کاری آنان محسوب می‌گشت و البته بازتاب آن نیز گرایش به عوالم سری و انرژی‌های مافوق طبیعت بود به طوری که افسانه‌ها و داستانهای بی‌شماری نیز در این رابطه از خود به‌جا گذاشتند.

یارشاطر بیان می‌دارد: «مردمان طالقان را مراغیان کله‌بزی نام نهند. چرا که، توت‌مشان و ترس مقدس‌شان بز بود است و در پیشگاه ریش‌سفیدان خود بزکل (نر) قربانی می‌کردند. اما، به دلیل روحیه رازداری زیادشان هنوز سندی مبنی بر اینکه به چه علت بز برایشان مقدس بوده است؛ وجود ندارد» (یارشاطر، ۱۳۴۸: ۳۲)!

۱. حتی یکی از روستاهای طالقان با نام بزج در دهستان میان طالقان واقع گشته که به نظر می‌رسد ریشه این نامگذاری نیز همین امر باشد.

د. استقلال‌طلبی و برتری‌جویی

زندگی در پیچ و تاب‌های سربه فلک برده و بلندی‌هایی که آسمان را شکافته‌اند، قدرتی هدیه مردمان این زادبوم کرده است که همواره در تقابل با بیگانگانی بوده که سعی داشته‌اند به آنها دست برند. از آنجایی که تمامی همه حکومت‌های متمرکز اقتضاء می‌کند تا مجموعه اقوام را در یک واحد ملی و زیرسیطره خود گردآورند تا مانع از استقلال و خودمحموری آنان شوند، در ایران زمین نیز روند مذکور بر تاریخ این سرزمین گذشته است اما مردمان طالقان که تبارشان به قوم آمارد بازمی‌گردد و طبق مفاد تاریخی این قوم از ابتدا با اقوام مهاجر آریایی در ستیز بودند، همواره سرناسازگاری با حکام مرکزی داشته تا استقلال و خوداتکایی خویش را به رخ بکشند. با توجه به این مساله احتمال می‌رود ترجمان پویای برتری‌جویانه‌ی این مردم هرگز در تساهل و صلح با دولتهای مرکزی نبوده است و اساساً کنار آمدن با حکام متقدر که طی گذارهای تاریخی سر برآورده‌اند، برای آماردها موضوعیت و محلی از اعراب نداشته است.

رابینو بیان می‌دارد: «قبایل ساکن در طالقان از اوایل قرن ۶ قبل از میلاد استقلال داشته و از هیچ‌یک از حکام مرکزی تبعیت نمی‌کردند. به‌طوری‌که، تا پیش از اسکندر هیچ قدرتی نتوانسته برآنان فایق شود» (رابینو، ۱۳۳۶: ۱۳۴). همچنین، پیرنیا بیان می‌دارد: «از زبان اسکندر مقدونی گفته شده: تعجب می‌کنم مردانی مرد نمی‌خواهند مرا فاتح بدانند» (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۹۵۳). این چنین است که خصلت استقلال‌طلبی این مردم منجر به این می‌گردد که بازخورد روابط قدرت‌جویانه آنها محدودیت حضور عوامل حکومتی باشد.

وی بیان می‌دارد: «به همین دلیل کمتر آثار تاریخی دوره‌های پادشاهی مختلف هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان در طالقان یافت می‌شود» (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۹۶۰).

همانطور که گفته شد تبار مردم طالقان به قوم جنگ جوی آمارد بازمی‌گردد که در خطه شمال کشور می‌زیستند و در نواحی‌ای از دیلم و طبرستان سکنی داشتند. این قوم که نخستین ساکنان پیشا‌آریایی بودند تاب تحمل اراده قدرت متمرکز را هرچند نیرومند برشانه‌هایشان نداشتند. بنابراین، به انحاء مختلف سعی داشتند از استیلای آن خودداری نمایند.

ستوده بیان می‌دارد: «سرزمین ماردها در زمان مادها به‌صورت مستقل اداره می‌شد و تحت تسلط مادها قرار نگرفتند. گفته شده آنان به‌همراه شش‌طایفه دیگر به کوش کمک کردند تا برآستیاک ظفر یابند، هخامنشیان به‌منظور جلوگیری از شورش ماردها به آنان باج می‌دادند و آنان نیز یکی از متحدان هخامنشیان به‌شمار می‌رفتند (ستوده، ۱۳۵۰: ۹۸).

آماردها مردمانی بودند که به‌تناسب زیست‌اجتماعی- اقتصادی در بسترهای جغرافیایی سخت و کوهستانی برخوردار از روحیه ایلیاتی و فرهنگ قدرت‌طلبی بودند.

دیاکونف بیان می‌دارد: «قوم آمارد در گله‌داری، شکار، شبانی و جنگاوری نام‌آور بودند و زندگی آنان بیشتر ایلی بود» (دیاکونف، ۱۳۴۵: ۵۳).

ه. بنیادگرایی مذهبی

در مجموع با توجه به آنچه ذکر آن رفت در لوای قدمت قومی- قبیله‌ای انتزاع‌یافته از بطن بنیادهای بسته و فرومانده حاکمیت اعتقاداتی که به خمودگی و رخوت مشاعر می‌انجامد و ناخودآگاهی گم‌گشته در تحجر و انحصار باورهای بدوی که دستاورد تسلط عقاید چندخدایی و خرافه‌های صوفیانه است، به‌نوعی تسلط مذهبی‌گرایی،

آنها نه به معنای گرایش و خوانشی پیشتازانه و پیشرو از مذاهب کهن، بلکه، به مفهوم ماندگاری و رکود کاربست این بایسته‌های ماورایی است که در موجودیت و ریشه‌های فرهنگی مردم طالقان رسوخ کرده است. در واقع، تبار بنیادگرایی مذهبی جامعه طالقان به موقعیت پناهگاهی آن بازمی‌گردد که به نوعی در فاصله هزاره‌های تاریخی با پناه‌جستن اقشار مختلف مذهبی، باورمندان به فرق گوناگون را درخود جای داده است که این مهم سبب گشته به تدریج در ساختارهای فرهنگی و پدیدارهای اجتماعی منبعث از آنها موثر واقع شده و به نوبه خود فضای جغرافیایی را نیز متأثر سازد.

مستوفی عقیده دارد: «طالقان بهترین منطقه برای اسکان مروجان مذهبی بود به همین علت پناهگاه اصلی فرق مهرپرستی، کافرکیش، گبر، نحل و جنبش‌های بواطنه و اهل توقف شناخته می‌شد» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۷۶).
 قوم آمارد که بستر فرهنگی آنان نیز بسی کهن است در واقع یکی از دلایل جداافتادگی آنها از کلیت سرزمین به‌ویژه در زمان مادها و پس از آن هخامنشیان، باورهای عجیب آنان است به عنوان نمونه پرستش خدایان ماده در روستایی کهن که شاهک نشین مادها بوده است و سابقاً سرزمین پریکانی و یا پریان خوانده می‌شد، امروزه نیز نام این روستا باریکان است.
 دیاکونف بیان می‌دارد: «... همچنین گفته شده باورهای قوم آمارد نیز ترکیبی از خدایان پلی‌تئیستی، توت‌پرستی و پرستش خدایان ماده یا پریان بوده است» (دیاکونف، ۱۳۴۵: ۶۵).

صنیع‌الدوله می‌گوید: «باتشکیل دولت صفویه نیز زمینه برای رفاه حال دراویش و صوفیان فراهم گشت. به طوری که، سلاطین وقت، فرامین متعددی برای رفاه حال اهالی صادرنموده و برای صوفیان و دراویشی که در آن حدود می‌زیستند تکالیف احداث کردند. این قبیل تکالیف در قدیم در غالب بلاد ایران و ممالک اسلامی بود که آنها را خانقاه می‌نامیدند» (صنیع‌الدوله، ۱۳۰۱: ۴۱).

و. انزوای سیاسی - فضایی

با استناد و تدقیق در منابع متقدم نخستین اولویت سکونت‌گزینی در طالقان مساله امنیتی و وجه دفاعی این ناحیه در ارتباط با مردمانی بوده است که در واقع به هر دلیلی به این منطقه پناه برده‌اند. چه بسا، وضعیت منحصر به فرد و جایابی کم‌نظیر کوهستانها در طالقان و سکونتگاههای کوچکی که در پیچ‌وخم این کوهستانها سربرافراشته‌اند با درنظر داشتن محدودیتهای وسیع توپوگرافیکی به گونه‌ای که کمتر جمعیتی را به خود جذب می‌کند، به نوعی منجر به بسترسازی شکلی از سکونت‌یابی بر پایه ساختارهای صلب و باورهای محتوم شد که موجبات انزواطلبی آنها را فراهم ساخت و نمود آن نیز در فرم و بنیاد فضای سکونتگاههای روستایی به لحاظ قرارگیری و مناسبات اقتصادی - اجتماعی آنها با اندکی مذاقه قابل برداشت است.

با توجه به آنچه ذکر شد، سابقه انزواطلبی مردم طالقان به دورانی بازمی‌گردد که پیش از ورود اقوام مهاجر می‌زیستند و با ورود آنها به دلیل روحیه برتری جوانه خود به عقب رانده شدند.

مارکوارت بیان می‌دارد: «طبق اسناد تاریخی پیشینه مردم طالقان به قوم آمارد (پیش از ورود آریاییان) بازمی‌گردد که توسط آریاییان نیز به عقب و کوهستان رانده شدند» (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۵۶).

دیاکونف عقیده دارد: «طالقان در واقع منطقه‌ای پرت افتاده و جدا مانده و سخت است، همان‌جایی است که کورش

پارسی پدربزرگ مادی خود یعنی "ارشی وئیگ" را به آنجا تبعید کرده بود و در حقیقت برای شاهنشاه پرشوکت ماد هولناک‌تر از تبعید به ولایتی کوهستانی و پرتافتاده چیزی نبود، گویا در زمان کورش هخامنشی این کوهستان به نوعی تبعیدگاه محسوب می‌شده است» (diakonoff, 1956, 159).

مساله امنیت و موقعیت جغرافیایی خاصی که طالقان در گذارهای تاریخی داشت. اولین اولویت ساکنان این ناحیه در مکان‌یابی روستاها بود. به طوری که، چندین قلعه در صفحات طالقان به این منظور بنا شده‌است که هر یک در گوشه‌ای از کوهستان ساحت مغرور خود را به نمایش گذارده‌اند.

در صفحات طالقان ۳۵ دژ وجود داشت که توسط اسماعیلیان فتح شد، پیروان حسن صباح تا سال ۶۵۱ در نواحی مختلف کوههای طالقان و الموت و رودبار حدود ۵۰ قلعه مستحکم در اختیار داشتند (ستوده، ۱۳۴۵: ۳۴)؛ (مستوفی، ۱۳۸۱: ۴۳).

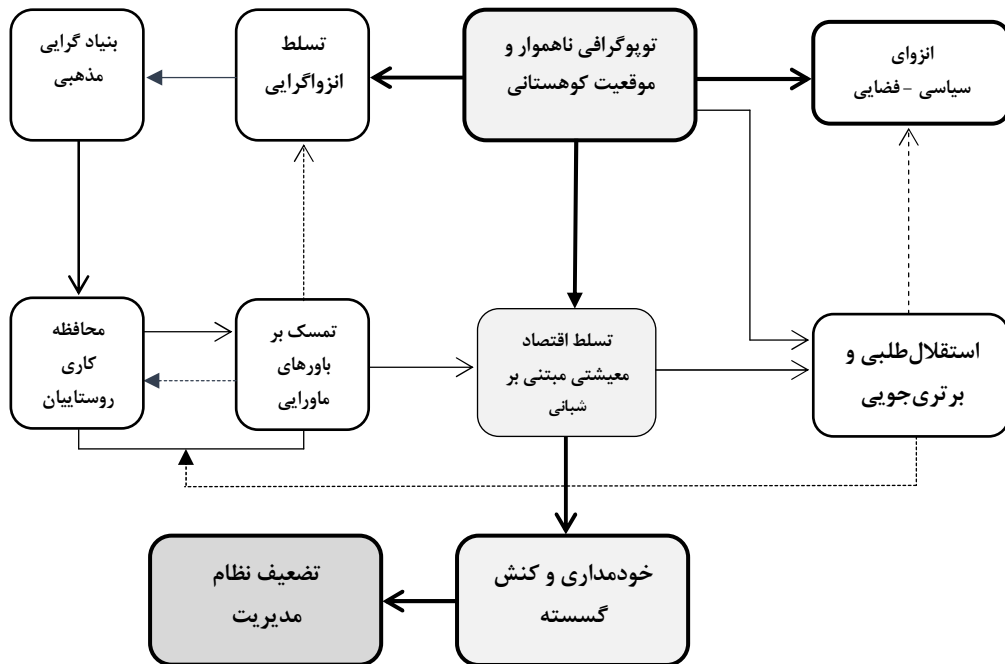
بر اساس تفسیر صورت گرفته، ساختارهای جغرافیایی در طالقان- توپوگرافی ناهموار و موقعیت کوهستانی - عامل تعیین‌کننده و زیربنای تمامی مناسبات اجتماعی - فرهنگی است. بر این اساس، موقعیت جغرافیایی به‌نوبه خود منجر به برساخت وضعیتی شده است که بر پایه این ساختارها به‌وجود آمده‌اند. این شرایط، بنیانی را فراهم آورد که در بستر آن، سکونتگاههای روستایی به انزوای فضایی دچار شدند. این انزوا، در گذر زمان به شکل‌گیری روحیه انزواگرایی و بنیادگرایی در ساکنین ناحیه طالقان منجر شد. در کنار این خصیصه، کنش محافظه‌جویانه متأثر از موقعیت جغرافیایی و سلطه اقتصاد معیشتی به‌صورت رفتار اجتماعی غالب آنها در آمد. ساکنینی که با تمسک به باورهای فوق طبیعی مناسبات خود را شکل داده و مدیریت فضا را به‌دست گرفتند. این وضعیت، در بستر زمان، شکلی از روابط و تعاملات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را سبب شده‌است که امروزه خود را در چارچوب خودمداری و کنش گسسته بر نظام مدیریت نوین روستایی تحمیل نموده است. عواملی که مورد تفسیر قرار گرفتند، در ارتباط با نظام مدیریت نوین روستایی (به‌عنوان پدیده)، در دو دسته شرایطی^۱ و تعاملی (فرایندی)^۲ قابل تقسیم‌بندی هستند که به شرح زیر هستند:

الف. عوامل شرایطی: توپوگرافی ناهموار و موقعیت کوهستانی؛ انزوای سیاسی - فضایی؛ تسلط اقتصاد معیشتی مبتنی بر شبانی.

ب. عوامل فرایندی: تسلط انزواگرایی؛ بنیادگرایی مذهبی؛ محافظه‌کاری روستاییان؛ تمسک بر باورهای ماورایی؛ و استقلال‌طلبی و برتری‌جویی

پیامد این عوامل، خودمداری و کنش گسسته بوده است که بر پدیده مدیریت نوین روستایی تأثیر گذاشته، سبب تضعیف آن شده است.

۱. عوامل شرایطی بیانگر آن دسته از شرایط، موقعیت‌ها و زمینه‌هایی می‌شود که به‌ظهور پدیده مورد مطالعه منتهی شده است.
۲. عوامل تعاملی/فرایندی بیانگر آن دسته از تعامل‌ها و کنش‌هایی می‌شود که کنشگران در قبال آن شرایط از خود بروز داده‌اند.



نمودار ۱. مدل مفهومی عوامل و نیروهای تاریخی موثر بر نظام مدیریت نوین روستایی

بحث و نتیجه گیری

خودمداری و کنش گسسته متاثر از جریان جبرگرایانه و قاعده مند جغرافیایی، به طور چشمگیری در منطقه طالقان بالاخص تعاملات روستاییان با مدیران روستایی را تحت تأثیر قرار داده است. مدیریت روستایی متأثر از این روند اگر چه در ظاهر سعی داشته است با تأکید بر اصول مدیریت مدرن و سیستماتیک از جمله مشارکت گسترده روستاییان به خود مشروعیت دهد. اما، در محتوا با همان پایه های سنتی متمرکز و سلطه محور با اخذ مشروعیت از بالا (دولت) به گونه ای عمل نموده است تا روستاییان در مدار خواسته های آنها قرار گیرند. بدین معنا که، در چارچوب ساختارهای برآمده از نظام دولت، الگوی رفتاری آنها را در حوزه های مختلف بویژه کالبدی، مدیریت نمایند. توجه صرف به مسائل کالبدی آنها نه به شکلی موجه، منجر به نادیده انگاشتن سایر مناسبات روستاییان و نیازهای آنها شده است. اعضای شورا و دهیاری بر روی مقولاتی (از قبیل جمع آوری پول به منظور بازسازی قبرستان و ...) تمرکز دارند که اساساً در رونق زندگی ساکنان روستایی تأثیری نداشته و چه بسا گرایش آنان را به ماندن و تلاش برای بقاء کمزنگ می نماید. این مهم از آن رو حائز اهمیت است که مدیریت روستایی می بایست بر روی مسائلی تمرکز داشته باشد که به ماندگاری جامعه روستایی و پایداری روستاهای به غایت در حاشیه جامانده، مسکوت و در حال زوال کمک نماید. این در حالی است که، روستاییان در این کنش چندان علاقه و حس تعلقی ندارند و غالباً در مقابل ساختارها که ماهیتی بیرونی دارند؛ مقاومت می نمایند. عدم عقب نشینی در تعریض معابر، تأکید بر اصول و ضوابط معماری بومی و ... مقاومتی است که در مقابل دهیار - به عنوان نماینده دولت - از خود نشان می دهد. آنها که در بستر تاریخی همواره با

روحیه استقلال‌طلبی و برتری‌جویی در مقابل نیروهای بیرونی از خود مقاومت نشان می‌دادند، در دهه‌های حاضر خود را در بازتولید تاریخی در مقابل همان نیروها می‌بینند. اما، این بار در صورت نیروهایی که - اگرچه خود را طالقانی می‌دانند - در قامت مدیران دولتی آمده‌اند.

بر این اساس، فرهنگ جامعه روستایی طالقان همانند اکثر جوامع تحت‌تاثیر عوامل ساختاری بیرونی بوده است. ولی، هنوز دارای خصیصه‌ای - خودمداری و کنش گسسته - هستند که برخاسته از جغرافیا و محیط آن از گذشته تا به امروز بوده است. به عبارت دیگر، باگذر زمان وسیر تحولات تاریخی با توجه به روند پیشرفت جوامع، چرخشی درین‌مایه فرآیند نقش‌پذیری عوامل عینی و ذهنی صورت گرفت و تاثیر و تاثرات "بنیاد - فراساختار" شکل دیگری یافت. به گونه‌ای که، در این گذار هرچه شالوده جغرافیایی و اقتصادی عمیق یافته‌تر بود؛ در صیوروت تکوین تاریخی با نضج بیشتری روبنهای اجتماعی - فرهنگی را در خود حل نمود. بنابراین، با برون رفت از سیطره طبیعت، فراساختارها با قرارگیری در یک انتظام بهم‌بافته کنشی را بازنمایی کردند که ترتیب یافته یک جریان جبرگرایانه و قاعده‌مند جغرافیایی بود. پویشی که پس از آن در محاق صورت‌بندی فضای جغرافیایی به‌عنوان یک وانمود عینی به‌تدریج تحت‌تاثیر عوامل تاریخی بازپرونده شد، ساحتی امکان‌گرایانه به خود گرفت. در انبوهه این برهم کنش‌ها هرچه شالوده‌های جغرافیایی نقش عمیق و فراگیرتری در بسط مناسبات اجتماعی - سیاسی داشتند، همان روساختهای برآمده از این بنیادهای طبیعی، نقش قوی‌تری را در تغییر و تحولات ابعاد مختلف بویژه مدیریت نوین روستایی - امروزه - بازی کردند. این عوامل در قالب عوامل شرایطی و فرایندی - که ماهیتی جغرافیایی و تاریخی دارند - در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مورد کم‌توجهی قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر در ایجاد و کارآمدسازی مدیریت نوین روستایی، توجه به خصایص فرهنگی برآمده از محیط جغرافیایی جوامع روستایی که در ادراک محیطی روستاییان و کنش آنها تاثیرگذار هستند؛ بایستی مورد توجه و تاکید قرار گیرند.

کتابشناسی

۱. ابن خلدون (۱۳۵۹)، مقدمه ابن خلدون؛ ترجمه محمد پروین گنابادی؛ بی‌نا؛ تهران؛
۲. ارسطو (۱۳۶۴)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، انتشارات خوارزمی، تهران؛
۳. استادف، ج، عبدالملک عوده، محمدالبهی، محمدفتحی الشیطی، حسن‌شعاعه سعفان (۱۳۵۷)، امروز و فردای مارکسیسم، ترجمه کریم زمانی، انتشارات حکمت، تهران؛
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان؛ التدوین فی‌احوال‌جبال شروین (۱۳۷۳)، تصحیح مصطفی احمدزاده، نشر فکر روز، تهران؛
۵. افتخاری، رکن‌الدین؛ عظیمی‌آملی، جلال؛ پورطاهری، مهدی؛ احمدی‌پور، زهرا (۱۳۹۱)، ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره دوم؛
۶. انگلس (۱۸۵۳)، نامه انگلس به مارکس، مکاتبات مارکس و انگلس در باب ماتریالیسم تاریخی، انتشارات سازمان وحدت کمونیستی، لندن؛
۷. ایرانشهر، یوزف مارکوآرت (۱۳۷۳)، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات تهران؛
۸. بدری، علی (۱۳۹۰)، چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاستهای راهبردی، فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری،

شماره سوم؛

۹. برن، رهبر (۱۳۸۳)، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاووس جهانداری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی؛
۱۰. به فروز، فاطمه (۱۳۷۸)، فلسفه روش‌شناسی تحقیق علمی در جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران؛
۱۱. پیرنیا، حسن (۱۳۸۰)، تاریخ ایران باستان، انتشارات افسون؛
۱۲. حسینعلی ستوده (۱۳۵۰)، قلمرو شاهنشاهی هخامنشی بررسی‌های تاریخی، مجله تاریخ و تحقیقات ایران‌شناسی شماره ۳۳، نشریه ستاد بزرگ ارتش‌داران؛
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷-۱۳۷۲)، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، موسسه لغتنامه دهخدا، ذیل ماده طالقان؛
۱۴. ستوده، منوچهر (۱۳۴۵)، قلاع اسماعیلیه، نشر دانشگاه تهران؛
۱۵. صنیع‌الدوله، محمدحسن خان (۱۳۰۱ هـ. ق)، جغرافیای قدیم و جدید طالقان، نسخه خطی کتابخانه گلستان؛
۱۶. قزوینی، زکریای بن محمد بن محمود (۱۳۷۱)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاهمرادی، دانشگاه تهران، تهران؛
۱۷. گرهارد لنسکی، جین لنسکی (۱۳۶۹)، سیرجوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ ایران مصور، تهران؛
۱۸. گلریزی، سید محمد علی (۱۳۸۲)، مینو دریا باب الجنه قزوین، نشر طه تهران؛
۱۹. م. پاولویچ، و. تریاس، س. ایرانسکی (۱۳۲۹)، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اقتصادی اجتماعی آن، ترجمه م. هوشیار، نشر رودکی؛
۲۰. محمد پور، احمد (۱۳۹۲)، تجربه نوسازی، انتشارات جامعه‌شناسان؛
۲۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶)، مجموعه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران؛
۲۲. میرابولقاسمی، محمد تقی (۱۳۷۳)، تاریخ و جغرافیای طالقان، نشر ندا؛
۲۳. و. ت. جونز (۱۳۶۲)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی‌رامین، انتشارات امیرکبیر؛ تهران؛
۲۴. ه. ل. رابینو (۱۳۳۶)، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی شرکت انتشارات علمی فرهنگی؛
۲۵. هگل، فردریش (۱۳۸۵)، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، انتشارات شفیعی، تهران؛
۲۶. یارشاطر، احسان (۱۳۴۸)، زبانهای ایرانی الموت، نشریه کاوه، شماره ۲۸؛
27. Berry, Brian, Edgar, Conkling and d, Michael ray, (1987), economic;
28. Colleti, L., Marxism and Dialectic' NIR 93' Sept' Oct. 1975;
29. Diakonoff, I.M., (1956), istorija midii ol drevnejsix vremen do kontsa IV v. do n.e. akademiia nauk cccp, Moskva-leningrad.